

نظام مالکیت آب در روزگار قاجاریه: مطالعه موردی کاشان و پیرامون

داریوش رحمانیان^۱

مهدی میرزایی

چکیده

برتری بخش کشاورزی بر دیگر بخش‌های اقتصادی، اصلی‌ترین ویژگی اقتصادهای جوامع پیشاصنعتی است. در ایران دوره قاجاریه نیز بخش اعظم تولید داخلی و مشغله اصلی اکثریت مردم ایران به بخش کشاورزی وابسته بوده است. با تجاری شدن کشاورزی در بخش‌هایی از تاریخ ایران در نیمه دوم دوره قاجاریه، این وابستگی اقتصاد ایران به کشاورزی، به شدت افزایش یافت. کاشان در دوره قاجاریه، بر اثر زوال صنایع صنعتی آن، یکی از مناطقی بود که وابستگی اقتصاد آن به کشاورزی شدت مضاعفی یافت. با این حال، با وجود نقش محوری و پایه‌ای آب در کشاورزی، به‌ویژه در سرزمین خشک و کم‌آبی چون ایران، مسئله‌مند کردن تاریخ آب و پیوند آن با تاریخ ایران چندان مورد توجه مورخان و محققان نبوده

^۱دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران، rahmanian@ut.ac.ir

^۲دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

Mehdi_m6441@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies).

This is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

است. از این رو در نوشته حاضر به بررسی نظام مالکیت آب در شهر کاشان دوره قاجار به مثابه «جامعه ای خشک و کم آب و پراکنده» پرداخته می شود تا به عنوان نمونه ای از آزمون این نظریه مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین پرسش نوشته حاضر این است که منابع آبی در کاشان دوره قاجاریه به مثابه جامعه ای خشک و کم آب و پراکنده از چه نوع مالکیتی برخوردار بوده است و دولت در این میان چه سهمی داشته است. از این رو، نخست به شرح و بررسی منابع تامین آب پرداخته می شود و آنگاه در ادامه شیوه بهره برداری و مالکیت منابع آبی شرح داده می شود و در آخر نسبت دولت با مالکیت منابع آبی در این دوره سنجیده می شود تا از طریق نمونه شهر کاشان بتوان تصویری کلی از شیوه بهره برداری از آب و مالکیت آن در ایران به مثابه جامعه ای کشاورزی و کم آب و خشک به دست آورد و صحت نظریاتی را که در این مورد داده شده است را به محک آزمون گذارد.

واژه های کلیدی: آب، مالکیت آب، سازه های آبی، کاشان، دوره قاجاریه.

۱. مقدمه

همان طور که آثار مورخان بزرگ اقتصادی نشان می دهد، برتری بخش کشاورزی بر دیگر بخش های اقتصادی، اصلی ترین ویژگی اقتصادهای جوامع پیشاصنعتی است. بنابراین تخمین این اقتصاددانان، تقریباً هفتاد درصد تولید ناخالص داخلی کشورها در این دوران مربوط به بخش کشاورزی بوده است و نزدیک به هشتاد درصد جمعیت فعال نیز به کار در این بخش مشغول بوده اند. (بروک، ۱۳۸۹: ۴۱۴) آنگونه که شواهد موجود نشان می دهد، اقتصاد ایران در دوره قاجار نیز، غیر از صنعت نفت در جنوب، تقریباً به طور کامل یک اقتصاد معیشتی بود. کشاورزی مشغله اصلی اکثریت مردم ایران در آن زمان بود و حدود ۸۵ درصد نیروهای فعال کشور، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در کار کشاورزی بودند و بقیه به خرده فروشی و خدمات عمومی و خصوصی مشغول بودند. (مک لاکلان، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۵۵؛ باری، ۱۳۶۳: ۴) حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد تولید ناخالص ملی را نیز کشاورزی و فعالیت های وابسته به آن تشکیل می داده و ۱۰ تا ۲۰ درصد باقی مانده هم از معدودی صنایع کوچک، معادن و فعالیت های فرعی دیگر تامین می شده است. (همان: ۶) وابستگی اقتصاد ایران به کشاورزی در اواسط دوره قاجار شدت بیشتری یافت. این شدت وابستگی به بخش کشاورزی هنگامی مضاعف شد که در نیمه های دوره قاجاریه، اقتصاد کشور

باقتصاد توانمند و سلطه‌جوی جهانی پیوند یافت و بخش کشاورزی و جامعه روستایی نیز در انطباق با اوضاع و احوال جدید، که خصوصیات نیمه استعماری نیز داشت، در مسیر دگرگونی قرار گرفت. مهم‌ترین عامل تحول آن بود که بخش کشاورزی عهده‌دار وظیفه تازه‌ای شد، یعنی تولید محصولات که مورد نیاز بازار جهانی بود و در عین حال نقدینه لازم برای وارد کردن مصنوعات کارخانه‌های در حال گسترش فرنگستان را نیز فراهم می‌ساخت. به سخن دیگر، بخش‌هایی از کشاورزی ایران از حالت معیشتی خارج شده و حالت کشاورزی تجاری به خود گرفت. (اشرف، ۱۳۶۱: ۷)

شهر کاشان نمونه خوبی از این روند است. با وجود اینکه منابع دوره قاجار از کاشان به عنوان شهری تجاری و صنعتی یاد می‌کنند، (واتسن، ۱۳۴۸: ۱۲۸) این شهر نیز در نیمه دوم دوره قاجاریه، شهرتش را مدیون تولیدات کشاورزی‌اش بود. همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، در این دوره پیوند یافتن اقتصاد ایران با اقتصاد نوظهور جهانی باعث شد که اقتصاد ایران منجمله اقتصاد کاشان و به خصوص بخش صنعتی آن به رکود کشیده شود. امپریالیسم اروپایی از یک سو با صادر کردن مواد خام ایران، باعث کمیابی مواد خام و افزایش بهای آنها شد و از سوی دیگر با وارد کردن فرآورده‌های ماشینی به ایران بازار محصولات صنعتی ایران و از جمله کاشان را از رونق انداخت. برای مثال، در اواسط سده سیزدهم هجری قمری سیاح فرانسوی درباره صنعت کاشان چنین نوشت: «... چندین کارخانه پارچه بافی دارد که پارچه‌های ابریشمی گلدار، اطلس و به ویژه زری‌هایی که هم محکم‌اند و هم ظرافت خاص دارند تهیه می‌نمایند. همچنین دارای کارخانه‌های مخمل و شال کشمیری است ولیکن واردات انگلیسی که پیوسته از ۳۰ سال پیش در ایران رو به افزایش گذاشته، روز به روز از تعداد کارخانه‌های کاشان کم می‌کند، با اینکه هنوز کارخانه‌هایش دایر است ولی انسان از تماشای قسمت‌های عمده آنها که با پروبیکار افتاده، سخت مغموم می‌شود. باعث عبرت است که شهری در زمان صفویه اولین شهر صنعتی ایران باشد و امروز به چنین وضعی درآید، دیگر کارخانه‌ای که دو سه هزار کارگر مانند دو قرن پیش داشته باشد، ندارد...». (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۵) در چنین شرایطی، کشاورزی به دو جهت در اقتصاد شهر کاشان نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. نخست اینکه با پیوند یافتن اقتصاد سنتی ایران با اقتصاد جهانی، صنایع سنتی در این دوره روبه نابودی رفته و طبیعتاً بخش کشاورزی و به ویژه کشاورزی تجاری برای جبران زوال این صنایع در

این شهر اهمیت ویژه‌ای یافته بود. (ابوت، ۱۳۹۶: ۱۴۷) گزارش‌های تجاری این دوره نشان از رونق صادرات محصولات بخش تجاری کشاورزی از قبیل تریاک و تنباکو از این شهر دارد.

از سوی دیگر در ایران دوره قاجار انتقال محصولات کشاورزی از مناطق دارای مازاد محصول به مناطق در معرض قحطی با سرعتی معقول امکان‌پذیر نبود و این امر امکان بروز قحطی‌های ناحیه‌ای را در شهرهای خشکی همچون کاشان ممکن می‌ساخت. (باری‌یر، ۱۳۶۳: ۳۵) منابع محلی این دوره کاشان نیز این نظر را تایید می‌کنند. برای مثال کتاب مختصر جغرافیایی کاشان با آنکه به واردات غله از ناحیه عراق اشاره می‌کند، تاکید دارد که غله مصرفی مردم کاشان که «گندم و جو و جو ترشه» بوده است، در خود منطقه کاشان تولید می‌شده است. (ملک‌المورخین کاشانی، ۱۳۷۸: ۱۲ - ۱۱) خلاصه اینکه در نواحی خشکی همچون کاشان که حتی در زمره شهرهای صنعتی آن زمان به حساب می‌آمدند، بخش کشاورزی به این جهت در اقتصاد آن نقش اساسی داشت.

بدیهی است که تصور کشاورزی بدون وجود آب امکان‌پذیر نیست، اما جالب آنکه با وجود نقش محوری و پایه‌ای کشاورزی در تمدن گذشته ایران که در سرزمینی خشک و کم‌آب عموماً تمدنی کشاورزی بوده است، مسئله‌مند کردن تاریخ آب و پیوند آن با تاریخ ایران چندان مورد توجه مورخان و محققان نبوده است. این در حالی است که یکی از پرکاربردترین نظریه‌هایی که در تبیین تاریخ ایران به کار می‌رود، یعنی نظریه «شیوه تولید آسیایی» سرنوشت جوامع شرقی از جمله کشور ایران با مسئله آب و کمبود آن در این سرزمین‌ها پیوند یافته است.

در توضیح نظریه‌ی شیوه تولید آسیایی در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که بر سر تفسیر این نظریه به هیچ‌روی اتفاق نظری وجود ندارد. با این حال می‌توان دو تصویر یا تحلیل کلی را درباره استبداد شرقی و شیوه تولید آسیایی از هم متمایز کرد. تحلیل نخست مبتنی بر دیوان سالاری گسترده و متمرکز است. در این تحلیل فرض بر این است که با توجه به کمبود آب در سرزمین‌های شرقی، زمین فی‌نفسه و بدون وجود آب از ارزش تهی است. در واقع آنچه به زمین ارزش می‌دهد آب است که نادر است و در دسترس همه نیست. پس انتقال آب به زمین‌های کشاورزی نیازمند وجود تاسیسات و شبکه‌های آبیاری است. پدید آوردن و نگاه داشتن چنین تاسیساتی نیز در توان یک نفر یا یک خانواده نیست و به کار دسته جمعی نیاز دارد. کار جمعی نیز به سازمان دهی و مدیریت وابسته است و

این منشا پیدایش دولت در شرق است. همان‌گونه که دیده می‌شود این تحلیل در آخر به دام نوعی جبرگرایی جغرافیایی گرفتار می‌آید (رحمانیان، ۱۳۸۲: ۴۱۲-۴۳۲). این تفسیر از نظریه شیوه تولید آسیایی به ویژه پس از آنکه در سال ۱۹۵۷م کارل ویتفوگل، کتاب مشهور «استبداد شرقی» را بر پایه چنین نگاهی نگاشت، شهرت بیشتری یافت (ویتفوگل، ۱۳۹۲). اما تحلیل دوم که بسیاری از نظریات پر اقبال در تاریخ ایران از جمله نظریه «استبداد ایرانی» همایون کاتوزیان بر آن استوار است، تحلیلی است مبتنی بر وجود جوامع پراکنده و وحدت شهر و روستا و عدم تکامل تقسیم کار اجتماعی در جوامع شرقی. در این رویکرد بر بنیاد مسئله پراکندگی و خودکفایی روستاها و وحدت کشاورزی و صنایع دستی (وحدت شهر و روستا) تفاوت شرق و غرب جدید توضیح داده می‌شود. بر طبق این تحلیل یکی از ویژگی‌های اصلی نظام‌های آسیایی در این است که در همه آن‌ها چیزی شبیه قبیله یا دولت وجود دارد که به عنوان مالک برتر، مالک اصلی و تنها مالک جلوه می‌کند. به عبارت بهتر در شکل آسیایی، عرصه فردی و خصوصی برای زندگی فرد وجود ندارد، آنچه هست عرصه جمعی و عمومی و دولتی است. بنابراین در این تحلیل، پیوند صنایع دستی و کشاورزی در دل اجتماعات واحد موجب می‌شود که برخلاف غرب جدایی و استقلال شهر از روستا شکل نگیرد، جدایی که عامل بنیادین در پدید آمدن مدنیت جدید غربی است. کاتوزیان با باور به چنین تحلیلی معتقد است که پایه و اساس استبداد ایرانی را باید در نبود مالکیت خصوصی و اشرافیت مستقل زمیندار که خود ناشی از خشکی، کم‌آبی و پراکندگی جوامع روستایی و شهری و به طور کلی ناشی از شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی بوده است، جستجو کرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۷-۱۱؛ همو، ۱۳۷۴: ۷-۹)

هرچند به نظر می‌رسد که در تحلیل دوم نقش بنیادین عامل جغرافیا و آب و هوا تا حدی کم‌رنگ شده است و به جای تاکید بر مسئله کمبود آب و وجود تاسیسات آبیاری به عنوان ویژگی اصلی و بنیادین نظام آسیایی بر مسئله وحدت شهر و روستا و پراکندگی و مستقل بودن جوامع روستایی آسیایی تاکید شده است، با این حال باید گفت که در هر دو تحلیل عامل جغرافیایی حائز نقش درجه اول در پایداری شیوه تولید آسیایی و ویژگی‌های آن است. (رحمانیان، ۱۳۸۲: ۴۰۶)

نتیجه کلی که از این توضیحات می‌توان گرفت آن است که اصلی‌ترین شاخصه این هر دو سنت تفسیری شیوه تولید آسیایی، وجود گسترده مالکیت دولتی به ویژه در مالکیت بر آب است. از این رو در نوشته حاضر به بررسی نظام مالکیت آب در شهر کاشان دوره

قاجار به عنوان نمونه ای برای محک نظریه کاتوزیان و اصطلاح «جامعه‌ای خشک و کم آب و پراکنده» پرداخته می‌شود. اینکه در جامعه‌ای خشک چگونه منابع محدود آب، برای کشاورزی و برطرف کردن نیازهای مردم سامان می‌یافته است.

۱.۱ مسئله پژوهش

با توجه به مقدمات بالا، پرسش اصلی مقاله ی حاضر این است که مالکیت آب در کاشان دوره قاجاریه به عنوان نمونه ای از «جامعه‌ای خشک و کم آب و پراکنده» که در نظریه کاتوزیان آمده چگونه سامان می‌یافت و در این میان دولت چه نقشی در سامان‌دهی به منابع آبی داشت؟ با پرداختن به این پرسش، نسبت این نظریه‌ها با داده‌های تاریخی آشکار می‌گردد. به سخن دیگر، پیگیری این پرسش به ما نشان می‌دهد که این نظریه‌ها تا چه پایه بر پایه مواد و مصالح تاریخ ایران صورت‌بندی شده‌اند.

۲.۱ پیشینه پژوهش

متأسفانه تا کنون هیچ اثر مستقلی پیرامون بحث مالکیت آب در ایران دوره قاجاریه نگاشته نشده و حتی به صورت موردی و محدود به یک منطقه جغرافیایی خاص نیز پژوهشی صورت نگرفته است که دارای نگاهی تاریخی و مورخانه باشد. تحقیق‌هایی که صورت گرفته است (نک: فرخ‌یار، ۱۳۷۵؛ همو، ۱۳۸۶) عمدتاً نگاهی جامعه‌شناسانه و فنی پیرامون این بحث داشته‌اند و این مسئله را در سیر تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تاریخ ایران بررسی نکرده‌اند.

۳.۱ منابع پژوهش

در اینجا لازم است که به اختصار درباره منابع اصلی که در این مقاله از آن‌ها بهره گرفته شده است، سخن گفته شود. توصیف مالکیت منابع آب در کاشان دوره ی قاجاریه در این مقاله عمدتاً بر پایه‌ی کتاب «تاریخ کاشان» ضرابی نگاشته شده است. در توضیح کتاب باید گفت که نام اصلی کتاب حاضر «مرآة القاسان» است. این کتاب در جواب سؤالاتی تهیه شده که از مرکز مملکت از حاکم کاشان خواستار بودند و حاکم وقت که «جلال‌الدین میرزا احتشام‌الملک» بوده است، این امر مفید و مهم را از «عبدالکریم کلانتر ضرابی» درخواست کرده است. (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۳) در سال ۱۲۸۷ ه.ق، تالیف کتاب آغاز و در سال ۱۲۸۸ ه.ق به پایان رسید. این کتاب نیز در واقع به منظور جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از نواحی مختلف کشور برای تدوین «مرآت البلدان» فراهم آمده است. در این اثر به تاریخ و جغرافیا و رجال شهر کاشان پرداخته می‌شود.

زیرا از اوایل دوران اسلامی تا دوره نادرشاه، کاشان در جزو حکومت قم و اصفهان بوده و از این رو کتاب مستقلی در تاریخ و جغرافیای آن پدید نیامده بود. تاریخ کاشان در بردارنده فواید عدیده ای است، به ویژه می توان از آن به عنوان منبعی مستند و معتبر درباره اوضاع اجتماعی ایران عصر قاجار یاد کرد. (صالحی، ۱۳۸۰: ۳۵) کتاب حاوی تاریخ و جغرافیا، بناهای مذهبی و تاریخی و آگاهی هایی درباره خاندان های معروف کاشان و آداب و رسوم و وضع زندگی مردمان آن ولایات است، اما تأکید بیشتر نویسنده بر جغرافیای کاشان است. (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۳۵) دولت قاجار در عصر ناصری بر اساس سیاستهای اجتماعی و اقتصادی و لزوم آگاهی از ویژگیهای جغرافیای، اقتصادی و کشاورزی برای تدوین شیوه های وضع مالیات و مسائلی چون سربازگیری، خود موجب و محرک نگارش تاریخ های محلی گردید که تاریخ کاشان عبدالرحیم کلانتر ضرابی از آن جمله است. (رجایی، ۱۳۹۲: ۹۸) خلاصه اینکه کتاب ضرابی تاریخ محلی جامعی است که ابعاد گوناگون زندگی و مردم یک شهر را با ذکر ثروت های آن یعنی ابنیه و عمارات ماندنی و ... را در خود دارد.

ذکر این نکته لازم است که اطلاعات ضرابی را با سایر منابع تاریخ محلی همزمان کاشان در این دوره، مقایسه کردیم. اسامی این تواریخ محلی عبارت اند از: « کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمومنین کاشان»، « مختصر جغرافیایی کاشان»، « چراغان، جغرافیای قصبه بیدگل»، « تاریخ اشرار کاشان» و « نایبان کاشان». با این حال، برای تکمیل اطلاعات خود هر آنجا که لازم بوده است از دیگر منابع و پژوهش ها بهره گرفتیم. به دلیل آنکه در تحلیل مسئله مورد نظر در مقاله، منابع تاریخی اصلی مربوط به کاشان در دوره ی قاجاریه بسنده بود و در قسمت مربوط به سازه های آبی وقفی نیز تنها نوع مالکیت آنها که وقفی یا از نوع دیگری است، مورد نظر نگارنده بوده از این رو مراجعه به مراکز آرشیوی و اسنادی انجام نگرفته و ضروری نبوده است.

۲. مشخصه های جغرافیایی و اقلیمی کاشان

شهر کاشان از طرف جنوب به خاک اصفهان و از طرف شمال به قم، از طرف مشرق به سیاه کوه و از طرف مغرب به نیاسر و اردهال می پیوندد و آب و هوایی گرم و خشک دارد. آنگونه که مورخان محلی دوره قاجاریه شرح داده اند، به جهت مجاورت با دریای

نمک و ریگ، بادهای سخت و گرمی در آن می وزد و سختی زمستان آن دو ماه بیشتر طول ندارد و برف کمتر می بارد و گوشت در تابستان خیلی زود فاسد می شود. اهالی شهر به واسطه اینکه آب از خانه های آنها بگذرد، خانه ها را گود کرده اند و چون تابستان کاشان گرم است، زیرزمین و سرداب های عمیق کنده اند و در بعضی از خانه ها برای بدست آوردن آب، چاههایی دارند که چهل ذرع طناب خور دارد. خاک کاشان خیلی سفت و قرص و محکم است. اهالی در خانه ها آب انبار ندارند. آب انبارهای بزرگ در محلات ساخته اند، زمستان آنها را پر کرده در تابستان استعمال می نمایند. (ملک المورخین کاشانی، ۱۳۷۸: ۹-۱۱) با آنکه آب و هوای شهر گرم بوده، اما به علت کمی رطوبت، سلامت دارد. چنانکه یکی از سفرنامه نویسان بیگانه آن روزگار در سفرنامه خود می نویسد: « هوای آزاد و آسمان آبی رنگ کاشان ایده آل آدمی است ». (دوراند، ۱۳۴۶: ۳۸) آب شهر از قنوات تامین می شده است و «از میوه های آن انار و انگور و انجیر، نیکو به عمل می آید و برکه های وسیع در آنجا ساخته اند که در زمستان از آب قهرود و قمصر پر کرده در تابستان نهایت عذوبت و برودت را دارد». (آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۲۱)

۳. منابع آب کاشان

مطابق با توصیفی که نویسنده تاریخ کاشان از این شهر به دست داده است، منابع آب شهر کاشان را می توان به دو دسته منابع طبیعی و سازه های آبی تقسیم کرد. در کتاب از ۱۳ رودخانه برای شهر کاشان نام برده شده است که به ترتیب و به صورت اختصار ذکر می شود: ۱- رودخانه لقان گیر که از کوه های اطراف نطنز به طرف کاشان می آید و از قریه ابوزیدآباد رد می شود؛ ۲- رودخانه قهرود که دارای بندی معروف نیز بوده و در آبیاری باغات و کشاورزی استفاده می شده و در آخر مزرعه ای به نام صفی آباد را مشروب می کرده است؛ ۳- رود قمصر یا قمصر رود که بند معروفی نیز روی آن قرار داشته و این بند، آبهایی که از حوزه قمصر و اطراف آن می آمده را برای استفاده اهالی توزیع می کرده است ۴- رودخانه جزه ۵- رودخانه خنب و دره که از حوالی گرمسار سرچشمه می گیرد ۶- رودخانه سوک چم که از حوالی نراق سرچشمه می گیرد ۷- رودخانه استرک که از کوه های قریه رهق سرچشمه می گیرد ۸- رودخانه درم که از کوه های قریه ون سرچشمه می گیرد ۹- رودخانه همزر که از کوههای مزرعه اکبرآباد سرچشمه می گیرد ۱۰- رودخانه هفت چاه ۱۱- رودخانه ده نار ۱۲- رودخانه

موسوم به رود نعیم ۱۳ - رودخانه ی شوراب. (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۵۹-۶۹) و در کتاب تاریخ کاشان از ۷ چشمه نیز نام برده شده است: ۱ - چشمه سار جوره بزرگ و جوره کوچک که منشا آن از کوه های بالاسر قمصر است ۲ - چشمه ی فین : که از دامنه کوه دندان و هفت کتل بیرون می آید ۳ - چشمه قریه ی راوند که منشا آن مزرعه ای به نام نابر برزک بوده است ۴ - چشمه ی قریه ی نیاسر ۵ - چشمه ی شب قول ۶ - چشمه ی ولود ۷ - چشمه های قریه شوراب. (همان: ۷۱-۹۳)

نکته ای که باید توجه داشت این است که طبیعی بودن این منابع آب موجب ایجاد حق همگانی برای استفاده از آنها نمی شده و هر کدام دارای نظام مشخص تقسیم و توزیع آب بوده و نقش موثری در تامین آب کاشان و حومه ی آن داشته است که در ادامه مقاله در این باره سخن گفته خواهد شد.

اصولاً در هر محدوده جغرافیایی که طبیعت سر ناسازگاری داشته باشد، انسان های آن محدوده برای مقابله با قهر طبیعت به مقابله خواهند پرداخت و در نتیجه کوشش و ممارست در تدابیر و روشهای اتخاذ شده، مهارت و تکنیک خاصی کسب خواهند کرد. چنانکه فلات مرکزی ایران که دارای اقلیم بیابانی و خشک بوده و از ایام دور دچار کم آبی و بی آبی بوده است، ایرانیان قدیم را واداشته که با مهارت خاصی نسبت به حفر قنات که از اختراعات جالب عصر خود بوده، همت گمارند تا در مقابل بی آبی و خشکی منطقه مقابله نمایند. (مهدوی، ۱۳۵۶: ۱۴) مطابق با این اصل، طبیعی است که منابع آب در شهر کاشان به منابع طبیعی محدود نبوده و در کتاب، از چهار سازه آبی یعنی قنات، بند، استخر و آب انبار نام برده شده است که مطابق با توصیف کتاب ۸ قنات و دو بند و ۵ استخر و چهار آب انبار، آب شهر کاشان را تامین می کرده است.^۳ (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ص ۱۰۴ - ۱۰۱)

در ادامه و به هنگام بررسی مالکیت این سازه های آبی، به خود این سازه ها نیز پرداخته خواهد شد و برای درک بهتر مقاله، هدف ایجاد این سازه ها و کارکرد آنها نیز در جامعه خشکی همچون کاشان شرح داده خواهد شد.

۴. مالکیت آب در کاشان

همان طور که در قسمت مقدمه توضیح داده شد، پرسش پیش روی مقاله حاضر، نحوه تامین آب و ایجاد سازه های آبی و مالکیت آنها در پیوند با مالکیت دولتی آب و سازه-

های آبی در شهر کاشان است. در زیر سعی می‌شود بر اساس منابع محلی مربوط به کاشان دوره قاجاریه هرکدام از این سازه‌های آبی و نحوه مالکیت آن‌ها به اختصار شرح داده شود تا به تصویری کلی از مالکیت آب در کاشان دوره قاجاریه دست پیدا کنیم.

۴. ۱: آب بندهای کاشان و نحوه مالکیت و توزیع و تقسیم آن‌ها

در کتاب تاریخ کاشان تنها آب‌بندی که پیرامون نحوه مالکیت آن و توزیع و تقسیم آب آن ذکری به میان آمده است، بند «قمصر رود» است که موضع آن در دهنه رودخانه و مسیل قریه قمصر قرار داشته است. مطالبی که در کتاب در شرح این بند آمده است وضعیت مالکیت این بند را بازگو می‌کند. این بند از بناهایی بوده که از قدیم وجود داشته ولی مدت‌ها قبل به خاطر سیل‌های بزرگ خراب شده و به صورت نیمه ویرانه درآمده بود. آب‌هایی که از حومه قمصر و اطراف آن می‌آمده وارد این بند می‌شده و بدون آنکه در آنجا ذخیره شود به هدر می‌رفته و بعد از آن به جانب مزرعه «لتحر»^۵ می‌رفته که مزرعه مخصوص همان آب و از مزارع معتبر حومه کاشان بوده است. برخی سال‌ها به دلیل کم‌آبی، آب‌های قمصر رود به لتحر نمی‌رسیده و در فاصله بین بند و لتحر که تقریباً معادل چهار فرسخ است، فرو می‌رفته و زراعت آن مزرعه خشک و فاسد و درختان همه خراب می‌شده است و در سال‌های پربرکت و پر باران نیز به واسطه‌ی بعد مسافت به قدر کفایت آب به مزرعه نمی‌آمده است (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ص ۶۱). این‌ها همه بخشی از مشکلات خرابی بند بوده که عملاً بازده کشاورزی و استفاده از آب را کاهش می‌داده است.

در ادامه پیرامون مالکیت آب این رود و زمینهای کشاورزی محدوده‌ی آن چنین آمده است: «... لهذا مزرعه لتحر که سالی مبالغه‌ی خطیر منال دیوانی آن و جمعی کثیر از رعایا و زراع که زارع و مستاجرین مزرعه هستند و نیز جمعی غفیر که مالک و ارباب طاقات آب و اراضی آن می‌باشند...». (همان: ص ۶۱)

همان‌گونه که اشاره شد، دولت نیز نقشی در مسائل مربوط به آبادانی و احیای بند‌ها نداشته و همان‌طور که در ادامه کتاب آمده است، اگر اقدامی نیز صورت می‌گرفته از جانب متنفذین و ملاکین محلی بوده است. آن‌گونه که در متن کتاب آمده است چند سال قبل از تألیف کتاب، با اتحاد و همیاری بزرگان و خیرین و تجار و اعیان کاشان و نه دولت و حاکم محلی، ۵ هزار تومان جمع‌آوری شده، صرف مرمت و تجدید بنای آن بند نمودند. هرچند مرمت بند به تمام و کمال صورت نگرفت ولی

همین قدر هم باعث مقداری احیا و اداره و آباد کردن مزرعه و زارعین و مالکین آنجا شد. البته به تعبیر نویسنده کتاب علت این که این بند خراب شد و مدت‌های مدید بدون استفاده افتاده بود جز این نیست که بانیان آن از دوباره ساختن و مرمت آن غفلت کرده بودند. (همان: ۶۳)

غالباً در دوره ی قاجار این تصویر عمومیت دارد و بسیاری از سازه های آبی به دلیل بی کفایتی و عدم توجه دولت به این سرنوشت دچار شدند اگر رجال محلی و مردم همتی می کردند تا حدی می توانستند نسبت به احیا و تعمیر آنها اقدام کنند، در غیر این صورت تبدیل به ویرانه می گردید و متعاقباً انحطاط و زوال ایران را دامن می زد. (رحمانیان و میرزایی، ۱۳۹۱)

در ادامه به مدار گردش آب اشاره می شود که کاملاً نحوه ی تقسیم بندی و حقایق آن را مشخص می کند و به دلیل اهمیت عیناً ذکر می شود: «... و اما مدار آب آن بند در مزرعه لتحر ۴ شبانه روز است و هر شبانه روزی ۱۵۰ سرجه^۸، به اصطلاح زارعان کاشان جمع آن دو هزار و یکصد می شود و هر ده سرجه را اهل آن مزرعه یک طاق می گویند، پس منقسم می گردد تمام ۱۴ شبانه روز به ۲۱۰ طاق.....» (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۶۳) و در ادامه کاملاً مسئله مالکیت آب و نوع مالکیت مشخص می شود و نشان می دهد که مالکیت مزارع لتحر به صورت دولتی (خالصه) و غیر دولتی (خصوصی) و موروثی وجود داشته است: «بیست و هشت طاقش خالصه است و مابقی ملک موروثی و ابتیاعی اهالی کاشان....» (همان: ۶۳).

تقسیم آب به وسیله بستن سد و بند نیز در بسیاری از نقاط کشور دیده می شود، خواه در این نقاط آب از رودخانه سرچشمه گرفته باشد خواه از نهر یا قنات. در خوزستان، گلستان، خراسان و کاشان، فارس و... می توان نمونه هایی از سدهای قدیمی را مشاهده کرد. ایجاد بندها و سدها نیز از ابتکارات ایرانیان در قسمت‌هایی از ایران بوده که برای جمع کردن و نگه داشتن آب و تقسیم و جلوگیری از هدر رفت آن استفاده می شده است و همان گونه که در مورد کاشان نشان داده شد، ساخت این سازه-های آبی لزوماً با مالکیت دولتی پیوند نداشته است.

۴.۲: مالکیت قنات:

از آنجایی که در شهرهای خشکی همچون کاشان، اصلی ترین سازه آبی برای تامین آب شهر، قنات‌های آن شهر بوده است، در کتاب از قنات‌ها بیشتر سخن رفته و به همین

خاطر در زیر با تفصیل بیشتری به قنات‌های شهر کاشان پرداخته شده و سعی می‌شود که نحوه مالکیت آن‌ها مشخص شود.

در گذشته منطقه کاشان (شامل شهر و روستا) دارای شصت رشته قنات بوده که از این تعداد ۲۸ رشته به نام‌های موذن آباد، جمال آباد، یزد آباد، عطارپور، سکینه ایوب، صالح آباد، سلیمانیه، صاحبی، نصرآباد، پاچه میله، ملاحمد، سیدها، گندآب، تبلی، فرح پور، محمودآباد، مزرعه مال، دولتخواه، حکیم، خان، میرباقر، چاله گوراب، شورآب، دولت آباد، شوراب بالا، شوراب پایین، مزرعه نو، و قنات چهارباغ، مربوط به داخل شهر اعم از بافت تاریخی و قسمت‌های جدید شهر شامل، خانه‌ها، باغ‌ها، آب انبارها، مساجد و ... و دشت‌های کشاورزی اطراف شهر و مزارع وابسته نهایتاً تا فین بوده است (فرخیار، ۱۳۸۶: ۵۰).

از این ۲۸ قنات، هفت تای آن که قنات اصلی خود شهر کاشان بوده، در ذخیره سازی آب آب انبارها نیز استفاده می‌شده که شرح آن‌ها در کتاب ضربی آمده است. آنگونه که کتاب تاریخ کاشان شرح می‌دهد توصیف قنات‌ها به این شرح است: قنات عبدالرزاق خان کاشی^۹ که در زمان حکومت خود احداث نموده و تعدادی از محلات کاشان را دارای آب می‌نمود. این قنات وقف محلاتی از کاشان بوده از جمله محلات پشت مشهد، کوچه رباط، سرپله، پای قپان و همچنین خانه‌های طایفه محمد حسینخانی، عبدالرزاق خانی و ... ولی به قول کلاتر ضربی در تاریخ کاشان متأسفانه عده‌ای از مفاد وقف نامه این قنات پیروی نکرده، مقداری از آب آن‌را که متعلق به محلات شهر بوده به اطراف شهر منتقل می‌کرده اند و برای کشت و آبیاری درختان به کار می‌برده اند و این خلاف قرارداد واقف و شرح وقفنامه و منافی قانون شرع و عرف بوده است (همان: ۹۵ - ۹۴). ملا عبدالرسول مدنی نیز وقتی به توصیف کاشان می‌رسد به همین مسئله به شکلی دیگر اشاره می‌کند و چنین می‌نویسد: « طمع دولتیان و حرص سکنه که نواحی اطراف خندق‌های کاشان را تصاحب کرده و از روی تعدی و خباثت فطری، آبهایی را که وقف است و متعلق به ناحیه میانی شهر مانند آب نصرآباد و دولت آباد و میرباقر و خان و ... را جلوگیری می‌کنند و این آب را که غصبی است به زمین‌های غصبی برده، انواع سود را از طریق کشت میوه می‌برند» (مدنی کاشانی، ۱۳۷۸: ۴۶) و گویا احترام به آب قنات وقفی چندان مورد توجه نبوده و

قسمت هایی از سهم آب این قنات به سرقت می رفته است . این قنات وقفی بوده و مالکیت آن به صورت شراکتی و انواع دیگر مالکیت نبوده است .

قنات دیگر شهر کاشان، قنات محمودآباد است که موافق قول معتبر از مستحدثات و موقوفات زینت بیگم ' بوده است. این قنات نیز وقفی بوده و مخصوص شهر و محله ی پشت مشهد قرار داشته است . (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۹۵) سومین قنات شهر، قنات صاحبی بوده است . اغلب سهم قنات صاحبی به صورت ملکی بوده و در خارج و داخل شهر صرف باغچه‌ها و باغ های مخصوص می شده و قسمتی از آن که وقف بوده به اجاره و استیجار به خانه های شهر می آمده و با داخل شدن در آب قنات های دیگر در همانجا گردش می کرده است . چنانکه یک طاق آن به دارالحکومه و طاق دیگر به کوچه گاو چشمان می آمده که این هر دو محل از محلات سرپله دروازه عطا به شمار می آمده است (همان: ۹۵) توضیح نویسنده این نکته را می رساند که اغلب سهم این قنات به صورت شخصی بوده که قسمت هایی از این سهم شخصی یا اجاره داده می شده و یا به صورت وقف بوده است. چهارمین قنات، قنات نصرآباد بوده است که مردم محل چنین باور داشته‌اند که یکی از عموزادگان مامون الرشید آن را احداث کرده است. آب این قنات هم وقف بوده است بر محلات جنوبی شهر ولی در هنگام کم آبی آب آن کم می شده و نمی توانسته تمام مناطق شهر را پوشش دهد . (همان: ۹۵-۹۶) پنجمین قنات از قنات هایی که وارد شهر می شده قنات معظم آباد بوده که قسمتی از آن وقفی و بقیه ملکی بوده و برای خانه‌های شهر از آن استفاده می شده است. (همان: ۹۶) ششمین قنات مورد اشاره در کتاب، قنات وقفی دولت آباد بوده که وارد شهر می شده و تماما وقفی بوده است و آخرین قنات مورد اشاره در کتاب، قنات وقفی میرباقر بوده است و آنگونه که در کتاب آمده است . نویسنده در مورد میرباقر می گوید که وی از صاحب منصبان و کرسی نشینان حضرت شاه عباس صفوی بوده است و این قنات را ابداع نموده و وقف بر محلات و خانه‌های نیمه شمالی کاشان کرده است . (همان: ۹۶ - ۹۷)

آنچه از ذکر موارد بالا به وضوح مشخص می شود این است که مالکیت این قنات - ها یا به صورت شخصی یا بیشتر به صورت وقفی و یا ترکیبی از انواع مالکیت است و عملا دولت بر مالکیت آنها نقش چندانی ندارد .

آنچه ذکر شد قنواتی بود که آب آنها به طور کامل، آب محلات شهر کاشان را تامین می کرد. لازم به ذکر است که اضافه بر آب این قنات‌ها، آب‌هایی بدین شرح وارد شهر می شدند: از آب چشمه فین، فتحعلی شاه ۸ طاق از ۳۰۸ طاق کل سهم آب چشمه ی فین را وقف محلات شهر کرده بود (همان: ۹۷) و از آب صفی آباد نیز شش طاق، وقف مدرسه خاقانی و مسجد میدان شده بود و هرگاه ضرورتی بود نیز از آبهای لتحر و صفی آباد ممکن بود به شهر وارد شود. (همان: ۹۷)

در کتاب مختصر جغرافیای کاشان نیز پیرامون نوع مالکیت قنات‌های کاشان اشاراتی آمده است که البته این اشارات بسیار مختصر است: اسامی قنات که وارد شهر می شده بنا به شرح کتاب مختصر جغرافیای کاشان به شرح زیر است: قنات محمودآباد وقفی، قنات عبدالرزاق خان وقفی، قنات مهذب آباد وقفی، قنات صاحبی وقفی و غیر وقفی، قنات میرباقر وقفی، قنات دولت آباد وقفی، ۸ طاق آب فین وقفی، نویسنده سپس توضیح می دهد که در وقت لزوم از آب قمصر و قهرود هم خریداری کرده به شهر می آوردند. (ملک‌المورخین کاشانی، ۱۳۷۸: ۱۴) در این کتاب فقط قنواتی که وقفی هستند نام برده شده و حداقل از نام این قنات‌ها می توان پی برد که اینها تماماً و یا قسمتی مالکیت وقفی داشته اند.

در کتابچه «حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمومنین کاشان» نیز که هشت سال بعد از تاریخ کاشان نوشته شده، اطلاعاتی مشابه همان کتاب داده می شود. در این کتابچه از قنات‌های موقوفه و ملکی صحبت شده که گاه کاملاً موقوفه و یا گاه موقوفه و ملکی به صورت ترکیبی است مثلاً قنات مرحوم عبدالرزاق خان کاشی کاملاً وقف شهر بوده است و پیرامون قنات مشهور به صاحبی در حوالی دروازه اصفهان در کاشان چنین گفته می شود که اغلب آن ملکی است و متعلق به فرد است که در خارج و داخل شهر در باغچه های مخصوص مصرف می شود و هرگاه کسی بخواهد آن را به خانه خود ببرد از طریق اجاره کردن قسمتی از آب، آن را به خانه می برد و مقداری از ملکیت آن نیز به صورت وقفی است که در نوبت وقف بر روی قنات دیگری افتاده وارد شهر می شود و در محلات مختلف گردش می کند. از قنات نصرآباد نیز نام برده می شود که وقف قسمت جنوبی شهر بوده و آب آن منطقه را تامین می کرده است. قنات مهذب آباد نیز که به قنات معظم آباد شهرت داشته میزانی از آن به صورت ملک شخصی و بقیه آن وقفی بوده و وارد شهر می شده است. قنات دیگر قنات میرباقر

است که از امرای شاه عباس بوده است. این قنات، وقفی بیوتات شمالی کاشان بود که محلات آن قسمتها را مشروب می‌ساخته است. قنات‌های بعدی قنات فین و قنات صفی آباد است که مقداری از آن وقف شهر بوده است و میزان وقف آن برای شهر به این اندازه بوده است: «از قنات فین به اندازه یک شبانه روز و از قنات صفی آباد ۶ طاق و ۲ سرجه». (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۶۲ - ۲۶۱)

در کتابچه «حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمومنین کاشان» بخشی نیز به مالکیت قنات‌های روستاهای حومه کاشان اختصاص دارد. در این قسمت با آنکه به صورت موردی و تک به تک به نوع مالکیت قنات‌ها اشاره نشده است، اما در اشارات نویسنده به مالکیت قنات‌ها، هر سه نوع مالکیت آب قنات یعنی مالکیت وقفی، ملکی و خالصه به چشم می‌خورد. (همان: ۲۸۸ - ۲۷۷)

۴.۳: مالکیت استخرهای کاشان

استفاده از استخر در قسمت‌هایی از ایران به خصوص مناطق کویری از جمله سمنان متداول بوده و به کار می‌رفته است در کتاب تاریخ کاشان نیز از استخر نام برده شده و توضیحاتی نیز درباره‌ی کاربرد و مالکیت آن در این منطقه داده شده است. در شهر کاشان تعداد استخرها زیاد بوده و بیشتر روستاها و مزارع کاشان، استخر مخصوص به خود را داشته‌اند. باید در ابتدا توجه کرد که هدف از ساختن استخر چه بوده است. توضیح تاریخ کاشان در این باره چنین آمده است: در بعضی مزارع که آب آن کمتر از یک پیش^۱ بوده است، به هنگام آبیاری و کشت باغات، آبی که به سمت کردو^۲ سرازیر می‌شده، ممکن بود قسمت‌هایی از آن جذب زمین شده و در زمین فرو رود، بنابراین کردو پر نمی‌شده است. از این رو بر آب، استخر می‌بسته‌اند و چون استخر پر می‌شده آن را باز کرده و همانقدر که اندازه زمین است به جوی می‌انداختند تا مقصود حاصل گردد و در حالت دوم آب آن مزرعه‌ای که به اندازه یک پیش است و قصدشان آن بوده که آن آب را به مزارع دوردست ببرند، در چنین شرایطی آب در فاصله‌ی بین دهنه‌ی قنات تا محل زراعت جذب مجرای آب و نهر شده، چون به محل مورد استفاده می‌رسید، در مسیر بر اثر اتلاف آب، کردو پر نمی‌شده است. بنابراین در چنین مواردی وجود استخر لازم می‌شده است. (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۹۸)

در کتاب تاریخ کاشان به شکل غیر مستقیم به مالکیت این استخرها اشاره شده است. خلاصه توضیحات نویسنده به قرار زیر است: ۱ - از جمله استخرهای معروف

کاشان یکی استخر مزرعه جدیدالاحداث حاجی میرزا اسدالله تاجر کاشانی است که در یک فرسخی شهر واقع است؛ ۲ - دیگری استخر مزرعه نصف راه است و وجه تسمیه آن چون در نصف راه کاشان و قریه قمصر واقع است از این جهت به نصف راه موسوم شده و در سال ۱۲۷۶ هجری قمری میرزا محمود خان غفاری احتساب الملک با شراکت میرزا عبدالله قمصری آن مزرعه را احیا و ایجاد نموده است. آن استخر نیز از آثار اوست ۳ - دیگری استخر قریه نیاسر است و چنان است که آب چشمه ای که از آبشار تالار می ریزد به فاصله کمی وارد آن می شود ۴ - یکی دیگر از استخر های کاشان استخر مزرعه فرح آباد امین الدوله آلت ۵ - دیگری استخر مزرعه ملک آباد که در تحت مالکیت عموزادگان امین الدوله است و دیگری استخر قریه ساروق است که از ساخته های زینت بیگم همشیره شاه عباس می باشد. (همان: ۱۰۱ - ۹۸) همان- طور که در موارد بالا دیده می شود، ساخت استخرها نیز توسط اشخاص و دارای مالکیت شخصی بوده و به همت این افراد ایجاد شده است.

۴. ۴: مالکیت آب انبارهای کاشان

از دیگر موضوعات قابل ذکر کاشان وجود آب انبار های وسیع و پرحجم آن است که دارای آب خنک و گوارایی بوده و نیاز مردم به آب شرب را برطرف می ساخته است. (جیمز ویلز، ۱۳۶۸: ۴۱۴) فهرست آب انبارهایی که نامشان در منابع اصلی کاشان در دوره ی قاجاریه به خصوص تاریخ کاشان آمده است، به قرار زیر است: ۱ - از جمله آب انبارهای مرغوب این شهر یکی برکه مُلحه سرپله است که خواجه غیاث الدین بیگ دنبلی دُر سال ۱۰۳۶ هجری قمری بنا کرده و این آب انبار از جمله برکه ها و آب انبار های معتبر کاشان بوده و آب یکساله اهالی این محله و عابرین را تامین می کرده است و آب آن از آب مزرعه صفی آباد و بند قهرود تامین می شده است. ۲ - دیگری آب انبار حاجی سید حسین صباغ است که در بازار صباغ ها ساخته و آب آن اهل بازار و دو محله ی بزرگ را کفایت می کرده است. این آب انبار توسط حاجی سید حسین صباغ به سال ۱۲۴۰ ه.ق ساخته شده است. (نیازی، ۱۳۸۶: ۲۰۳) ۳ - برکه مدرسه میان چال است که دو محله بزرگ و چهار سوق شهر با کسبه ی بازار را کفایت می کرده است. ۴ - از آب انبارهای ممتاز شهر آب انبار عبدالرزاق خان آلت که در محله ی آب انبار خان قرار داشته است. (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۱۰۴ - ۱۰۱) تاریخ ساخت آن سال ۱۱۹۳ ه.ق است. (نیازی، ۱۳۸۶: ۲۰۴) ۵ - آب انبار محله ی قاضی آران

و بیدگل به نام قاضی محمد ، وزیر شاه اسماعیل صفوی در تاریخ ثبت شده است . (نیک اندیش، ۱۳۸۸: ۷۸) ۶ - آب انبار محله فخارخانه ، بانی این بنا در بیدگل مرحوم حاج بابا فخار بیدگلی است که در حدود سال ۱۱۹۵ ه.ق آن را ایجاد کرده است . (همان: ۸۰) ۷ - آب انبار محله مختص آباد، این آب انبار در حدود سال ۱۱۲۵ هجری قمری با سرمایه و همت سید عبدالکریم نطنزی الاصل و ساکن بیدگل و بنایی حاج بابا بن حسن بن بابا بنا شده است . (همان: ۸۱)

نکته ی مورد توجه در این آب انبارها این مسئله است که همه ی آنها دارای مالکیت شخصی بوده و توسط رجال عصر یا متنفذین محلی ساخته شده است و بعد از آن قسمتی از آنها به صورت وقفی درآمد و صرف کارهای عام المنفعه شده است .

در منابع متاخرتر به آب انبارهای دیگری نیز اشاره شده است که ساخت آنها به دوره زندیه و قاجاریه بازمی گردد و از جمله آنها می توان به آب انبار پشت عمارت، آب انبار کلنگه، آب انبار درب گلان، آب انبار حاجی سید مرتضی، آب انبار احسان ، آب انبار جعفری (دشت افروز)، آب انبار بازارچه ملک (تبریزی ها) ، آب انبار مسجد و مدرسه آقابزرگ، آب انبار گذر نو، آب انبار گذر آقا، آب انبار دو مسجدان (دومسجدون) اشاره کرد. مالکیت بیشتر این آب انبارها نیز به صورت شخصی و یا ملکی بوده است (فرخ یار ، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۷۲)

۴. ۵: مالکیت و نحوه ی تقسیم آب چشمه های کاشان

چشمه های کاشان علی رغم اینکه ایجاد آن به صورت طبیعی است ، دارای نظام مشخص تقسیم و توزیع آب بوده و نقش موثری در تامین آب کاشان و حومه ی آن داشته است .

۱ - نخستین چشمه از چشمه های کاشان آب چشمه ولود بوده که محل کشت و زرع آن دشت مزرعه درم بوده است . گردش آبی آن بر مبنای مدار هفت شبانه روز بوده که عبارت از ۱۴ طاق می شود و به این طریق گردش می کرده است . در ادامه نیز نرخ تعیین قیمت آب آمده است که به خوبی می توان از آن نرخ اجاره و خرید آب در کاشان را مشخص کرد : قیمت آن آب با اراضی تابعه هر طاق یک هزار تومان است که جمله گی ۱۴۰۰۰ تومان می شده است. (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۹۱)

۲ - یکی دیگر از چشمه‌های کاشان، چشمه قریه نیاسر بوده است. این قریه یکی از قراء سردسیر تیولی این ولایت محسوب می‌شده است. تفاوت آن با چشمه ی فین در این بوده که هیچگاه از آب این چشمه کم نمی‌شده است. در سال‌های پر باران ۱۰ سنگ آب داشته و در سال‌های خشک سالی همچون سال ۱۲۸۷ ه.ق، آب آن به یک سنگ می‌رسیده است. کل آب چشمه نیاسر را به ۴ پیش که عبارت است از چهار برجه تقسیم می‌کردند که هر پیشی به مدار ۱۴ شبانه روز گردش می‌کرده و معادل ۲۸ طاق بوده که مجموع چهار پیش آن ۱۱۲ طاق می‌شده است. (همان: ۸۶ - ۸۵)

در توضیحی بسیار مهم در کتاب تاریخ کاشان رابطه‌ی بین آب و زمین و ارزش آن در پیوند با تنوع اقلیمی کاشان مشخص می‌شود. این مسئله را البته می‌توان به بعضی مناطق دیگر ایران نیز تسری داد: «... نظر به آنکه در قراء سردسیر، اراضی و باغات و درختان تابع آب نیست بلکه علیحده خرید و فروش می‌نمایند لذا آن آب از قرار طاقی یکصد تومان است که جمله ۱۶ هزار و ۲۰۰ تومان زر مسکوک ۱۸ نخودی عددی ۱۰۰۰۰ دینار میباشد..» (همان: ۸۹) همانطور که در بالا اشاره شد آب چشمه ی ولود طاقی ۱۰۰۰ تومان بوده و ناگهان قیمت آب اینقدر افت می‌کند. در اینجا ضربی اشاره ای بسیار مهم دارد و می‌گوید در مناطق سردسیر به جهت ازدیاد آب، قیمت زمین جدا از قیمت آب در نظر گرفته می‌شده و حتی جداگانه نیز خرید و فروش می‌شده است اما از فحوای این جمله می‌توان با فرض معکوس این گفته فرض کرد که در اماکن خشک و کویری این زمین بوده که تابع قیمت آب قرار می‌گرفته و آب ارزشی بسیار بیشتر از زمین داشته است. فاصله قیمت بین طاقی ۱۰۰ تومان و طاقی ۱۰۰۰ تومان به خوبی ارزش آب را در پیوند با شرایط اقلیمی مشخص می‌کند.

۳ - چشمه‌ی دیگر چشمه‌ی قریه‌ی راوند بوده است. نحوه‌ی تقسیم بندی آب چشمه‌ی راوند نیز باز خاص آن منطقه است و همه‌ی آب قریه راوند چه در سال‌های پرآبی و چه در اوقات کم‌آبی به چهار برجه تقسیم می‌شده و هر برجه در مدار هشت شبانه روز گردش می‌کرده که عبارت از ۱۶ طاق بوده که به عبارت دیگر چهاربرجه ۶۴ طاق می‌شود و از قدیم الایام افرادی که خبره مسائل آب و اراضی بودند و ساکنان راوند این قریه را به ۸ بلوک تقسیم کرده‌اند و هر بلوک را به یک بند گاو یعنی یک جفت ورزگاو مُسُوب به سربلوکی نموده‌اند به این تفصیل: بند گاو آقامحمدی و بند گاو آقا سید جعفری و بنده گاو حاجی محمدعلی و بند گاو بچه‌ها و بند گاو سیدها و

بند گاو آهنگرها و بند گاو حاجی رمضان و بند گاو حاجیها . این هشت بند گاو هر یکی هشت طاق آب زراعت می کرده که جملگی ۶۴ طاق می شده است. (همان: ۸۴)

اینکه در محاسبه‌ی مالیات آن منطقه قیمت و اجاره‌ی طاق‌های آب آن را نیز آورده اند و آب را مستقل از زمین در نظر گرفته اند، خود مطلب مهم دیگری است « و اما مبنای دیوانی و عوارض محلی کل آب آن قریه ۶۴ طاق است . ۱۰ باب آسیاب را هم معادل ۱۰ طاق آب شمرده اند . جمله ۷۴ طاق از قرار طاقی ۱۸ تومان ۱۳۳۲ تومان به میزان آمد . » (همان: ۸۴) در ادامه نوع نظام زمین داری منطقه و مشخصا بحث تیول-داری مطرح می شود و اینکه قریه‌ی راوند به انضمام قریه نوش آباد که آن نیز از قراء بزرگ و معتبر کاشان بوده، مدت‌ها تیول عیسی خان ، بیگلربیگی تهران بوده و بعد از فوت او به فرزندان او انتقال یافته و در زمان نگارش کتاب نیز این دو قریه از اختیار حکومت کاشان خارج بوده است . (همان: ۸۴-۸۵)

۴. ۶: نسبت مالکیت آب با مالکیت زمین

همان‌گونه که تحقیقات نشان می دهند در دوره قاجار املاک خرده مالکی بیشتر در حدود جنوب و جنوب غربی کویر مرکزی متمرکز بوده است، یعنی منطقه‌ای که از قم (منطقه ای که املاک آنجا بیشتر اربابی است) شروع می شده و از کاشان (که املاک مجاور و متصل به آن بیشتر به عمده مالکان تعلق دارد) و اردستان می گذشته (به استثنای نایین که بیشتر املاک آن در دست عمده مالکان بوده است) و به یزد می رسیده، پس از امتداد در جهت جنوب غربی و گذشتن از میان ناحیه کوهستانی کوه کرکس به میمه و مورچه خورت منتهی می شده است. (لمتون، ۱۳۷۷: ۴۸۴) بنابراین، زمین‌ها و باغات زیاد این منطقه و آب مورد نیاز زارعین منطقه به جهت کشت و زرع و باغداری و عدم انطباق این دو با هم، تقسیم آب در این منطقه را در طول تاریخ این خطه به صورت نظام پیچیده‌ای از تقسیم بندی و جیره بندی آب در آورده است . بنابراین کمبود آب از یک سو و نظام خرده مالکی از سوی دیگر موجب پدید آمدن چنین نظامی از تقسیم بندی و مالکیت آب شده است.

اساس این تقسیم بندی به صورت مدار گردش آب بر اساس سنجش زمانی سهم هر روستا و هر کشاورز در هر نوبت متبلور گردیده است. البته مدت زمانی این مدار گردش ها اغلب همانند نبوده است . زیرا با در نظر گرفتن طبیعت محل ، مقدار حجم آبدهی قنوات و رودخانه ، تعداد خانوار بهره گیر از منبع آب دهی ، نوع کشت ، وضع

زمین و قوانین حاکم بر منطقه، نوبت بندی مدار گردش آب را به گونه ای ناهمانند در آورده که در عرف محلی به رسمیت شناخته شده است. در کل باید گفت که نظام آبیاری سنتی این منطقه در هر روستا به نحوی تنظیم گردیده و دارای چنان نظام پیچیده و منحصری است که سکنه هر قریه در طول تاریخ بر اساس محیط جغرافیایی و شرایط اقلیمی خود رابطه هایی بین زندگی و طبیعت برقرار نموده اند. (معینان، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۱)

۵. نتیجه

مطالعه منابع تامین آب و نحوه مالکیت آن در کاشان دوره قاجاریه، به مانند نمونه ای از جامعه ای خشک و کم آب و پراکنده نشان داد که طبیعت خشک کاشان بیش از آنکه به سازوکار دیوانی گسترده ای برای مدیریت و مالکیت آب بیانجامد، نظامی از آبیاری را در این شهر ایجاد کرده بود که می توان آن را نظامی مبتنی بر همیاری گروه های مختلف اجتماعی نامید. همان طور که در متن مقاله نیز توضیح داده شد، زمین زارعی و باغ های فراوان این منطقه از یک سو و آب مورد نیاز زارعین منطقه به جهت کشت و زرع و باغداری از سوی دیگر و عدم انطباق این دو با هم، به نظامی از تقسیم بندی و جیره بندی آب انجامید که مشارکت گروه های مختلف اجتماعی را به همراه داشته است. بنابراین، دست کم تا آنجا که حد تعمیم بررسی این مقاله اجازه می دهد، این محیط خشک نه تنها منتهی به اسارت مردم کاشان در دام نوعی جبر جغرافیایی نشد بلکه به واکنش های متنوعی در نسبت با چالش های این محیط خشک انجامید. این واکنش ها را می توان هم در نوع مالکیت منابع آب، همچون مالکیت وقفی دید که واقف به دنبال تامین همیشگی منابع ضروری آب شهر بود و هم در آنجا که مشارکت اقشار مختلف اجتماعی سازه های آبی مختلفی را پدید آورده بود تا در این طبیعت ناسازگار بتوان تامین معاش مردمان کاشان را تسهیل کرد و آخر اینکه آنگونه که بررسی این نوشته نشان داد، در پیوند با مالکیت آب در کاشان دوره قاجاریه، اگر سخنی از دولت به میان می آید، نه تنها از مالکیت و مدیریت گسترده آن بر منابع آبی که از عدم توجه دولت به سازه های آبی و بی کفایتی و بی توجهی در مساعدت مردمان آن دوره در احیا و تعمیر و ایجاد قنات ها و سدها و بندها و دیگر سازه های آبی است که سخن به میان می آید.

کتاب‌نامه

- ابوت، کیث ادوارد (۱۳۹۶)، شهرها و تجارت ایران در دوره ی قاجار (گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعه ی ایران ۱۸۶۶ - ۱۸۴۷ م) ، ترجمه ی سید عبدالحسین رییس السادات، تهران: انتشارات امیرکبیر
- اشرف، احمد (۱۳۶۱)، «دهقانان، زمین و انقلاب»، در: مجموعه کتاب آگاه، مسائل ارضی و دهقانی، مجموعه مقالات، تهران: آگاه.
- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۷۸)، آتشکده آذر (نیمه دوم) ، به تصحیح میرهاشم محدث ، تهران:: امیرکبیر
- باری یر، جولیان (۱۳۶۳)، اقتصاد ایران (۱۳۴۹-۱۲۷۹)، ترجمه و حواشی مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه ، تهران : موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه
- بروک، پل (۱۳۸۹)، از اریحا تا مکزیکو: شهر و اقتصاد در تاریخ، تهران: کندوکاو
- دوراند، ای . آر (۱۳۴۶) ، سفرنامه دوران، ترجمه ی علی محمد ساکی ، خرم آباد : کتابفروشی محمدی
- رجایی ، عبدالمهدی (۱۳۹۲)، شهرنگاری های عصر قاجار، اصفهان : انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۲)، تاریخ علت شناسی انحطاط ایرانیان و مسلمین ، تبریز : دانشگاه تبریز : موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی
- رحمانیان، داریوش و میرزایی، مهدی (۱۳۹۱)، زوال تمدن کاریزی ایران به روایت سفرنامه‌های بیگانه روزگار قاجار، تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲
- صالحی ، نصرالله (۱۳۸۰)، کتابشناسی توصیفی تاریخ های محلی (منابع و متون) ، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ، ش ۴۵ - ۴۴
- صباحی بیدگلی ، سلیمان ، (۱۳۳۸) ، دیوان صباحی بیدگلی ، به تصحیح و اهتمام حسین پرتو بیضایی ، تهران ، زوار
- صفی نژاد، جواد (۱۳۵۹)، نظام های آبیاری سنتی در ایران ، تهران: دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

- فرخ یار، حسین، (۱۳۸۶)، آب انبار یادگاری از یاد رفته (شهرستان های کاشان، آران و بیدگل)، قم، نشر حلم
- فرخ یار، حسین، (۱۳۷۵)، بهشتی در حاشیه کویر: سیر تحول تاریخی و معماری مجموعه بناهای باغ فین کاشان، کاشان، انتشارات مرسل
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه ی حسین نورصادقی، تهران: انتشارات اشراقی
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، تداوم و تحول تاریخ نویسی در ایران عصر قاجار، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام
- بی نام، (۱۳۶۴)، «کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمومنین کاشان»، در قم نامه، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۵۶)، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیر کبیر
- لمتون، ا، ک، س (۱۳۷۷)، مالک و زارع در ایران، ترجمه ی منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- مدنی کاشانی، ملا عبدالرسول، (۱۳۷۸)، تاریخ اشرار کاشان، به اهتمام حسین علی پور مدنی، کاشان، مرسل،
- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر
- معینیان، محمد تقی (۱۳۸۶)، ایبانه، نگین قرمز رنگ ایران، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان
- مک لاکلان، ک. س. (۱۳۸۸) «اقتصاد ایران سال های آغازین سده بیستم»، در تاریخ ایران دوره ی پهلوی از رضاشاه تا انقلاب اسلامی (از مجموعه تاریخ کمبریج)، به سرپرستی پیتر اوری، ترجمه مرتضی ثاقب فر، انتشارات جامی
- ملک المورخین کاشانی، عبدالحسین (۱۳۷۸)، مختصر جغرافیای کاشان، به کوشش افشین عاطفی، کاشان: مرسل

نظام مالکیت آب در روزگار قاجاریه ... ۲۳

مهدوی ، مسعود (۱۳۵۶)، پژوهشی در مسائل کشاورزی (زراعت) منطقه بیابانی شرق کاشان (روستاهای منظومه ابوزید آباد) ، تهران : دانشگاه تهران ، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران

نراقی، حسن (۱۳۸۲)، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

نوایی، عبدالحسین و بقایی شیرجینی، محمد (۱۳۷۹)، نایببای کاشان بر اساس اسناد، تهران: سازمان اسناد ملی ایران

نیازی ، محسن (۱۳۸۶)، آب انبارهای کاشان ، مجله فرهنگ مردم ایران ، ش ۱۰
نیک اندیش ، نسرين (۱۳۸۸)، جغرافیای شهرستان آران و بیدگل ، کاشان: انتشارات مرسل
واتسن ، رابرت گرانت (۱۳۴۸)، تاریخ ایران دوره ی قاجاریه ، ترجمه ی غلامعلی وحید مازندرانی ، تهران: امیرکبیر

وصاف ، محمد رضا بن جعفر (۱۳۵۸)، چراغان جغرافیای قصبه بیدگل ، (چاپ عکسی) ، مجله فرهنگ ایران زمین ، ش ۲۴

ویتفولگ، کارل (۱۳۹۲)، استبداد شرقی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث
ویلز ، چارلز جیمز (۱۳۶۸) ، ایران در یک قرن پیش ، ترجمه ی غلامحسین قراگزلو ، تهران: اقبال
هاشمی ، احسان الله (۱۳۶۶)، واژه نامه کشاورزی اردستان ، در نامواره ی دکتر محمود افشار ، جلد سوم ، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار

همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۰)، استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، تهران: نشر مرکز
همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۴)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلطنت پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز

پی‌نوشت‌ها

۱. جو بهاره.
۲. برای اطلاعات کتابشناسی این تواریخ محلی شهر کاشان به بخش کتاب‌نامه رجوع شود.
۳. البته این سازه های آبی را ضرابی به عنوان سازه های اصلی نام برده و به دیگر سازه های آبی از این دست توجهی نکرده است.

۴. شهری واقع در شمال غربی استان اصفهان امروزی و جنوب شهرستان کاشان. در دوره‌ی قاجار قمصر از قرای معتبر و بهترین بیلاق کاشان و دارای باغ‌های فراوان و آبهای گوارا و گلابی معروف بود. رجوع کنید به: نراقی، ۱۳۸۲.

۵. روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان کاشان.

۶. انبوه مردمان.

۷. طاق در آبیاری سنتی ایران واحد زمانی اندازه‌گیری آب است. هرطاق برابر با ۱۲ ساعت و شبانه روز را دوطاق محاسبه می‌نمایند. به عبارت دیگر نصف شبانه‌روز را طاق گویند. (صفی نژاد، ۱۳۵۹: ۲۳۰؛ هاشمی، ۱۳۶۶: ۱۷۶۴)

۸. کاسه مسی گردی که در آن سوراخی است و این کاسه را در کاسه بزرگتری که پر از آب است قرار دهند و به عنوان ساعت آبی از آن استفاده می‌کنند. (معین، ۱۳۷۵: ۱۸۵۸؛ هاشمی، ۱۳۶۶: ۱۷۶۲؛ کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۷۸)

۹. عبدالرزاق خان کاشی حاکم کاشان در دوره زندیه بود که در ابتدای دولت و غلبه آغا محمد خان قاجار یک سال نیز حکومت نمود. وی در کاشان آبادانی بسیار کرد و از جمله بناهایی که ایجاد کرده است، می‌توان به عمارت عبدالرزاق خان، حمام، مدرسه، تعمیر بازار کاشان پس از زلزله سال ۱۱۹۲ ه.ق و اقدامات دیگر که برخی از این آثار هنوز بر جای مانده است. (همان: ۴۰۴ و ۴۶۷ و ۴۶۸) برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: صباحی بیدگلی، ۱۳۳۸

۱۰. خواهر شاه عباس صفوی

۱۱. بنا به تعریف تاریخ کاشان هر پیش در مدار ۲۷ شبانه روز گردش می‌کند که پنجاه و چهار طاق می‌شود (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۸۹)

۱۲. بخشی از مزرعه که کنارهای آن را بلند کنند تا آب در آن نشیند و در میان آن سبزی کارند یا زراعت کنند. (معین، ۱۳۷۵: ۲۹۴۰)

۱۳. منظور فرخ خان امین الدوله است.

۱۴. آب انبار.

۱۵. خواجه غیاث الدین پدر شریف بیگ دنبلی خوبی است که به سرداری سلاطین صفویه سال‌های دراز شمشیر همی زدی در یکی از غزوات چهارده پسرش کشته شدند. از حضرت سلطنت رخصت نهضت به حدود عراق و توقف کاشان یافته، ضراب‌خانه کاشان و مزارع حومه را تیول او مقرر داشتند و طایفه‌ی فتحعلی خان ملک الشعرا از نتایج اویند و چون ظرایخانه به تیول آنها بود لهدا به سلسله‌ی ضرابی معروف و موصوف شده‌اند. (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۱۰۳)

۱۶. منظور همان عبدالرزاق خان کاشی است.

^{۱۷} . تعریف برج در کتاب تاریخ کاشان : برج عبارت است از قطعه سنگی که حجاران از طرف طول آن به اندازه معینی، عرضاً، طولاً، عمقاً به قدر نیم ذرع دهن و سه گره عمق می تراشند و به فاصله چهار گره یک چنین اندازه تراشند و کذلک تا آن آب چه مقدار باشد و به هر چند بهره خواهند منقسم نمایند . خلاصه آن سنگ را از طول به عرض نهر با آهک نصب کنند به نوعی که چون آب نهر به آن موضع برسد بر روی هم سوار شده از آن چهار برج به یک اندازه تقسیم گردد . (همان: ۸۳)

^{۱۸} . ورز گاو ، گاو نری است که با آن زمین را شخم می کنند (همان: ۸۴)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی